قوامیت قرآن به سماع و در منشأیت ضعف رسم‌الخط در اختلاف قرائات

قاعدۀ کلیای را گفته‌اند و من هم عرض کرده‌ام و شما هم روی آن تأکید کنید؛ ببینید اساساً رسم المصحف الشریف مذکّر آیات قرآن شریف است. نه اینکه خودش آیات قرآن باشد. چرا؟ چون قوام آیات شریفۀ قرآن به الفاظ آن است. ملک وحی الفاظ را آورده، این نقوش را که نیاورده است. الفاظ را قرائت می‌فرمودند و به این نقوش تبدیل می‌شد.

شاگرد:... .

استاد: آن بحث دیگری است. اوائلی که این مباحثه شروع شده بود، چندین جلسه متعدد راجع به این بحث کردیم. اول ظهور قرآن کریم به‌صورت کتاب بوده ای به‌صورت الفاظ؟ خب آن کتاب ملکوتی است. الآن ضمانت ندادهاند که ان‌سخ عثمان آن صحف را در اینجا می نویسد. «فی صحف فی کتاب مکنون لا یمسه...» را بحث کرده‌ایم. اتفاقا آیات هم در دو طرفش زیاد است. بحث سنگینی بود. من اوائل خیلی سفارش کردم که حتماً یک وقت واسعی برای این بگذارید. اینکه اول ظهور قرآن کریم به چه صورت بوده. آن بحث پر فایده‌ای است. به بحث الآن ما ربطی ندارد. در اینجا این رسم المصحف که ان‌سخ عثمان نوشته، تنها مذکّر آیاتی است که در سینه حفاظ بود. وقتی ابن مسعود شروع به خواندن می‌کرد، کسی که مقابل او بود نگاه می‌کرد. او می‌خواند و با آن تطبیق می‌داد. لذا عرض کردم شما یک نفر در عالم السالم دیده‌ای که «الم» را «اَلَمَ» خوانده باشد؟! کسی هست؟! یک نفر نیست. حتی از کسانی هم که تصحیف می‌کردند، نیستند.

یک جایی دیدم که بچه دوساله دو هزار لغت بلد است. این بچه از همان وقتی که در قنداق است، الفاظی را که پدر ای مادرش از قرآن می‌خوانند را ضبط می‌کند. مخصوصاً آن جایی که بعداً که فهمید مربوط به داستانی باشد. مثلاً مادر حضرت موسی علیه‌السلام آمد و بچه را به رود نیل انداخت. با اینکه خیلی هم ناراحت بود. چون مادر بود. او را انداخت. بعد چه می‌فرمایند: «فَالْتَقَطَهُ آلُ فِرْعَوْنَ لِيَكُونَ لَهُمْ عَدُوًّا وَ حَزَنًا[1]»، همه شما می‌گویید و شنیده‌اید. یک قاری داریم که این «حزنا» را چیز دیگری خوانده باشد؟! ندارید. یعنی قاریای است که گوش می داده. استاد دارد. از خودش در نمی‌آورد؛ به تعبیری آن کتاب چون خط ناقص بوده اینطور گفته. حمد راویه چه خواند؟ به اینجا که رسید به این صورت خواند: «فَالْتَقَطَهُ آلُ فِرْعَوْنَ لِيَكُونَ لَهُمْ عَدُوًّا وَ حَرَبا»، دشمنشان و محاربشان. الآن شما برگردید و همینطوری به آن فکر کنید. واقعاً «حزنا» برای فرعون مناسبتر است یا «حربا»؟ حربا مناسبتر است. چون او را از بین بردند. صرف حزن نبود. حزنا یک چیز است و حربا یک چیز. خب یک نفر از قراء آن را نخوانده است. مرحوم آقای شعرانی در مقدمه منهج الصادقین مطلب خوبی دارند. می‌گویند اساس قرآن به سماع است، مسلمانان سینه به سینه قرآن را آورده‌اند. همینطوری نخوانده‌اند تا در رسم المصحف بگویند که اختلاف کرده‌اند. بعد می‌فرمایند یک جایی که مظنه این است که اختلاف کنند، احدی اختلاف نکرده است. اما جایی که مظنه اختلاف نیست، در آن

اختلاف کرده‌اند.

کتابی که هفته پیش عرض کردم، رسم المصحف بود. عرض کردم وقتی می‌خواهد قرائات را توجیه کنند، می‌گویند شیعه می‌گوید که یکی درست است. بعد می‌گوید خب حالا قرآن تحریف شده ای نه؟ فرمودند خط ناقص بوده و ضعیف بوده. عبارت این بود:

«باید بگوییم خط عربی در صدر اسلام بسیار ابتدائی، ناپخته و عاری از هر گونه نقطه و علامتی بود. مثال‌های متعددی از این ناپختگی هست». تا آن جا که می‌گوید اگر ما هم بودیم همینطور می‌شد. الآن سر و بر قرآن را بردارید و بخوانید، همینطور می‌شود. یعنی می‌خواهند اختلاف القرائات را توجیه کنند. می‌گویند:**«ما در همین زمان در خواندن کلمات آن به شرطی در رسم تصرفی صورت نگرفته باشد»**؛ یعنی این رسم را بیاوریم و اعراب های آن را بردارید، **«ما هم در همین زمان در خواندن کلمات با یکدیگر دچار اختلاف خواهیم شد».** به این صورت توجیه کرده‌اند. قرائات از اینجا ناشی شده. در دیدگاه اسلام هم تنها یکی از آن‌ها درست است. و حال آنکه در اینجا سؤال‌های واضح کالشمس هست.

---

[1] القصص ۸

بازبینی #3
ایجاد شده 25 آوریل 2024 08:24:08 توسط ... .
به روزرسانی شده 1 ژوئن 2024 14:27:45 توسط ... .